

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عليكم: یک استدلال زیبایی شهید مطهری دارند که: سختی شناخت خدا بخاطر فراگیر بودن آن است؛ چرا که تعریف حد و رسم می‌خواهد. همچون زمانی که تمام دنیا را سفیدی فرا گرفته باشد، آن موقع عملاً شناخت سفیدی ممکن نیست. غرض از ذکر این فرمایش، می‌خواهم بگویم که وقتی امری بسیار بزرگ شد عملاً به حجاب می‌رود و قابلیت ظهور و بروزش ضعیف می‌گردد؛ همچون طلبگی در روزگار کنونی؛ از شدت وسعت و عمقی که دارد، از طرفی شناخت خوبی نسبت بدان حاصل نمی‌گردد، از طرفی بخوبی ظهور و بروزی ندارد. واقعاً فکر نسبت به طلبگی دیوانه کننده ترین فکر حاضر است؛ انسان برود در دانشگاه دکتر یا مکانیک یا مهندس شود، حقیقتاً نمود بیشتر در رشد و هویت دارد؛ چرا که حد دارد و براحتی آدمی بر آن مسلط می‌شود (هرچند غرض از مذکور برای تکفیر طلبگی نبود). با توجه به پرسش شماره ۴۰۵۹۷ آهی تازه برایم جلوه کرد؛ تا بحال متوجه این همه ظلمت خود نبودم، نمی‌دانستم تا این حد گوش‌هایم سنگین شده! حال می‌توانم صدای ناله‌های راه طلبگی که بر من گشوده شده را بشنوم که تا چه اندازه نسبت بدان بی‌توجه بودم و این روح را درک نکردم و چقدر نسبت بدان بیرحمانه برخورد کردم؛ منی که در این راه قدم برداشتم اما هر جا که پیش می‌آمد، رهسپار می‌گشتم جز در این راه. حقیقتاً من نسبت بدین راه جفا کرده‌ام، مسئول خوبی نسبت بدان نبودم و اویی که خود را بر من گشود را اینچنین جریحه دار کرده‌ام؛ اویی (راه حوزه) که بدنبال رساندن من، به خودم بود...! چگونه روحیه مسئولیت‌پذیری را در خود زنده کنیم تا که تا این حد متشتت و بیگانه از محلّ خود نباشیم و اینچنین خودی را که با نسبت پیدا کردن با بسترها و قدم زدن در راه آنان، معنا می‌یابد را، بیابیم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام عليكم:
عاشق شده ای ای دل سودات مبارک باد
از جا و مکان رستی آن جات مبارک باد
از هر دو جهان بگذر تنها زن و تنها خور
تا ملک ملک گویند تنهات مبارک باد
ای پیش‌رو مردی امروز تو برخورداری
ای زاهد فردایی فردات مبارک باد

کفرت همگی دین شد تلخت همه شیرین شد

حلوا شده‌ای کلی حلوات مبارک باد

در خانقه سینه غوغاست فقیران را

ای سینه بی‌کینه غوغات مبارک باد

این دیده دل دیده اشکی بد و دریا شد

دریاش همی‌گوید دریات مبارک باد

ای عاشق پنهانی آن یار قرینت باد

ای طالب بالایی بالات مبارک باد

ای جان پسندیده جوییده و کوشیده

پرهات بروییده پرهات مبارک باد

خامش کن و پنهان کن بازار نکو کردی

کالای عجب بردی کالات مبارک باد

حقیقتاً همین‌طور است و طلبگی به معنای حقیقی آن همچون حضور نور است در عالم که همه جا را

روشن می‌کند بدون آن‌که دیده شود. و خوشا به حال آن طلبه‌ها و روحانیونی که چنین حضوری در

عالم دارند به جای آن‌که بخواهند دیده شوند و یا بر مردم ریاست کنند و خود را بر دیگران تحمیل

نمایند. چه اندازه ارزشمند بودند امثال آیت الله بهاءالدینی‌ها و آیت الله احمدی میانجی‌ها و آیت الله

راستی‌ها که به ظاهر هیچ‌کجایی نبودند ولی در عمق جان افراد نفوذ می‌کردند و این یعنی همه جا

بودند. خوشا به حال ائمه جماعاتی که چون سایه‌ای آرامش‌بخش بر سر نمازگزاران خود بودند. موفق

باشید